

بررسی ماهیت و آثار تحریم‌های اعمال شده علیه ایران با نگرشی بر زمینه‌های توسعه نفوذ لابی
در نظام تصمیم‌سازی آمریکا

اسماعیل موغلی^۱ - ابومحمد عسگرخانی^{۲*} - محمود عرفانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

چکیده:

تحریم‌های یک‌جانبه، فراتر از تحریم‌های همه‌جانبه است که توسط شورای امنیت و بر اساس منشور ملل متحد وضع شده است. در این پژوهش به دنبال این سوال هستیم که تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران دارای چه ماهیتی در پرتو حقوق بین‌المللی تحریم‌ها می‌باشد؟ تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، در چارچوب تحریم‌های کنگره و وزارت خزانه‌داری آمریکا و نیز در چارچوب تحریم‌های چندجانبه سازمان‌های بین‌المللی، دارای ماهیتی مختلط بوده و به لحاظ حقوق بین‌الملل ناظر بر تحریم‌ها صرفاً در غیاب عهدنامه دوجانبه می‌توانست وجاهت قانونی داشته باشد. قوانین مختلفی در آمریکا اجازه می‌دهد که نهادهای این کشور، تحریم‌های یک‌جانبه-ای علیه سایر کشورها اعمال کنند. قوانین تحریم در منابع داخلی ایالات متحده آمریکا عبارت است از: دستورات یا فرامین اجرایی رئیس‌جمهور، قوانین تحریمی کنگره، قوانین تحریمی ایالات و فرمانداری‌ها و قانون اساسی ایالات متحده.

واژگان کلیدی: تحریم، یک‌جانبه، ایران، آمریکا، قوانین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2011-1646

۱- دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

۲- دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول

asgarkha@ut.ac.ir

۳- استاد تمام گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

مهم‌ترین نوع تحریم، تحریم اقتصادی می‌باشد. تحریم اقتصادی اغلب به عنوان جایگزین جنگ تلقی می‌شود. این نوع تحریم‌ها نیز به صورت یک‌جانبه و چند جانبه می‌باشد. کشورهای مختلف مانند آمریکا از تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود علیه کشورهای هدف استفاده می‌کنند.

از دیدگاه حقوق بین‌الملل در زمینه تحریم‌هایی که از سوی یک کشور علیه کشورهای دیگر اعمال می‌شود سه نظریه مختلف وجود دارد:

الف) نظریه حاکمیت کشور: این نظریه ابراز می‌دارد چون کشورها دارای حاکمیت هستند، می‌توانند در تنظیم روابط خارجی خود با دیگر کشورها آزادانه عمل کنند و وظایف و تکالیفی که یک دولت نسبت به کشور خویش دارد نسبت به تکالیف آن دولت در قبال کشورهای دیگر و جامعه بین‌المللی در اولویت قرار دارد.

ب) نظریه منع قانونی: این نظریه تحریم را در هیچ صورتی مجاز نمی‌داند. طرفداران این نظریه، تحریم را اخلال عمدی و آگاهانه در جریان طبیعی و عادی معاملات اقتصادی و سبب خسارت و آسیب به اقتصاد جهانی می‌دانند.

ج) نظریه بی‌طرفی: این دیدگاه مابین دو رویکرد حاکمیت کشور و منع قانونی قرار دارد. این نظریه جنگ مستقیم اقتصادی از سوی یک کشور دیگر را مجاز دانسته، ولی به دنبال آن است که اثرات مضر و زیان‌آور را بر روی طرف‌های ثالث به حداقل برساند.

تحریم‌های یک‌جانبه، فراتر از تحریم‌های همه‌جانبه است که توسط شورای امنیت و بر اساس منشور ملل متحد وضع شده است. این تحریم‌ها بر اساس نیل به اهداف خاص و برآورده شدن منافع کشور تحریم کننده شکل می‌گیرد. یکی از کشورهایی که در معرض این تحریم‌های یک‌جانبه قرار گرفته است کشور ایران است.

این تحریم‌های یک‌جانبه در تمامی ادوار روسای جمهور ایالات متحده ادامه داشت تا زمانی که حادثه یازده سپتامبر رخ داد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر توجه کشورهای غربی و دول متحد آنان به برنامه هسته‌ای ایران جلب شد. این توجهات با رئیس‌جمهور شدن احمدی‌نژاد، روندی عمیق‌تر و گسترده‌تر به خود گرفت و باعث فشار جامعه جهانی بر ایران شد. (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۸۳۲)

تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران بسیار مورد نقد می‌باشد. تحریم‌های یک‌جانبه به خصوص تحریم‌های کشورهای کمتر توسعه یافته مورد انتقاد فراوان و عدم مشروعیت می‌باشد. جدای از مبحث اختلاف نظر در باب مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه از دید حقوق بین‌الملل؛ در

این نوع تحریم، کشورهای تحریم کننده حداقل ملزم به رعایت استانداردهایی که در مورد تحریم‌های همه‌جانبه صورت می‌گیرد، هستند.

در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی انجام می‌شود ضمن بررسی مفاهیم و مبانی، جایگاه تحریم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، علل آغاز تحریم‌های آمریکا علیه ایران و ابعاد مختلف آن در برهه‌های زمانی مختلف و تأثیر مسئله هسته‌ای بر تغییر سیاست تحریم و تشدید منازعه آمریکا و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در نظام کنونی جهان که در آن روابط درهم تنیده‌تر و وابسته‌تر شده است، جامعه جهانی در مواقع لزوم از ابزار تحریم استفاده می‌کند. بر طبق بند یک منشور ملل متحد، یکی از اهداف اصلی این سازمان عبارت است از حفظ امنیت و صلح بین‌المللی و به این منظور، اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای پیشگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و سرکوب اعمال تجاوزکارانه یا سایر موارد نقض صلح و تعدیل یا فیصله اختلافات یا وضعیت‌های بین‌المللی است که ممکن است به نقض صلح بیانجامد، از راه‌های مسالمت‌آمیز و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل. یکی از این راه‌های مسالمت‌آمیز، تحریم است و مسئولیت آن به عهده شورای امنیت می‌باشد. بر اساس ماده ۴۱ منشور، شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات خویش مبادرت به چه اقداماتی کند که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسائل ارتباط جمعی و قطع روابط سیاسی باشد.

بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل متحد، کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مغایرت داشته باشد خودداری خواهند نمود. این ماده نشان دهنده این امر است که منشور، کشورها را از هر گونه تهدید به زور یا استفاده از آنکه می‌تواند زمینه اقتصادی را نیز در برگیرد منع نموده است و بر اصل عدم مداخله سایر دول در امور داخلی تأکید کرده است.

پیشینه تحقیق

موضوع این تحقیق «بررسی ماهیت و آثار تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به موجب قوانین

تحریم و ضد تحریم ایالات متحده آمریکا» می‌باشد. ضمن بررسی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها، تحقیقی با این عنوان مشاهده نمودیم. هرچند تحقیقات مرتبطی در این زمینه انجام شده است که ذیلاً به مرتبط‌ترین آن اشاره می‌نماییم:

- انصاریان، مجتبی، تحریم‌های بین‌المللی و یک جنبه علیه ایران از دیدگاه حقوق بشر: آثار آن بر حقوق اقتصادی و توسعه، دانشگاه پیام نور مرکز، استاد راهنما: رضا موسی زاده، ۱۳۹۱. در این تحقیق آمده است: تحریم‌ها به مدت طولانی بر ایران اعمال شده است. صرفاً پس از انقلاب اسلامی، ایالات متحده از سال ۱۹۸۰ میلادی، شورای امنیت و اتحادیه اروپا از ۲۰۰۶ م. ایران را در حوزه‌های مختلف از جمله بازرگانی و مالی تحریم نموده‌اند. بر اساس این پژوهش مشخص گردید که تحریم‌ها تأثیر منفی زیادی بر آنها داشته است. محور دوم شاخص‌های اصلی امنیت اقتصادی شامل تولید، حق کار و تورم می‌باشد. اثر تحریم‌ها بر مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل دهنده شاخص‌های مذکور با استفاده از آمار و اطلاعات قابل اطمینان از سوی نخبگان و مراجع دولتی و مصاحبه با متخصصان سنجیده شد و این بار نیز نتیجه به شدت منفی تحریم‌ها بر شاخص‌های مذکور حاصل گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش، تحریم‌ها علاوه بر اثرات منفی بر شاخص‌های پیش‌نیاز و اصلی امنیت اقتصادی، بر سایر حوزه‌ها تأثیرات منفی داشته است. سیاسی شدن اقتصاد و توسعه، تغییر راهبردی و کلان سیاست‌های تولیدی کشور به جهت برخورد با تحریم‌ها، تأثیر منفی بر جهانگردی و خود تحریمی از تأثیرات اشاره شده می‌باشد. در مجموع به واسطه اعمال تحریم‌ها بر ایران و نقض حقوق بشر شهروندان ایرانی، فرضیه این پژوهش مبنی بر تأثیر منفی تحریم‌ها بر حقوق اقتصادی و توسعه ایران ثابت گردید.

- صیقلانی، زینب، تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت و موازین حقوق بشر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: علیرضا ظاهری، ۱۳۸۹.

در این تحقیق آمده است: تحریم اقتصادی، به نوعی ابزار سیاست خارجی است و این امکان را ایجاد می‌کند که دولت‌ها با اعمال آن به اهداف و مقاصد سیاسی خود دست یابند که حداقل دو هدف در آن مدنظر می‌باشد: ۱- آسیب رساندن و بی‌ثباتی دولت هدف ۲- تغییر رفتار سیاسی کشور تحت تحریم تا قبل از تشکیل جامعه ملل، کشورها بدون در نظر گرفتن آثار مخرب تحریم اقتصادی، بی‌پروا و گسترده به اعمال تحریم اقتصادی اهتمام داشتند که هیچ‌گونه سازگاری و تناسبی با قاعده‌ی پایدار «حقوق طبیعی» انسان‌ها نداشت. تشکیل جامعه ملل و سازمان ملل متحد، گامی بود در جهت ایجاد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ساماندهی و کنترل نحوه اعمال تحریم‌های اقتصادی. بر طبق قاعده حقوق طبیعی و قواعد عرفی و مکتوب «حقوق بشر»، هر نوع مجازات

کلی که حیات یک ملت را به مخاطره اندازد و سالب حقوق طبیعی آنها گردد، مضموم است و اعمال آن خود نوعی تهدید بین‌المللی محسوب می‌گردد.

- اکبرپور، حمید؛ اکبرپور، مجید؛ حیدری فرد، شیوا، تحلیل و ارزیابی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران از نگاه حقوق بین‌الملل، مقاله‌های همایش‌های ایران. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، شرکت پژوهشی طرود شمال، ۱۳۹۲.

در این تحقیق آمده است: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با تسخیر سفارت کشور آمریکا توسط ایران، تحریم‌های ایالات‌متحده آمریکا علیه ایران شروع شد. در طول دهه‌های بعد این تحریم‌ها گسترش روزافزونی یافت. با مطرح شدن مسئله هسته‌ای، تحریم‌ها وارد دور جدیدی شد. هر چند تحریم بر اساس حقوق بین‌الملل و شرایطی خاص، مشروع می‌باشد؛ اما تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران به نوعی ناقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل و مؤلفه‌های اساسی حقوق بشری می‌باشد. در واقع مشروعیت تحریم به همه‌جانبه بودن و رعایت شاخص‌های اساسی حقوق بشر وابسته می‌باشد. در این پژوهش با توجه به ماهیت و نوع موضوع، روش کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس روش کتابخانه‌ای به فیش‌برداری از منابع و متون چاپی و اینترنتی پرداخته شده و سپس مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. همچنین از شیوه توصیفی-تحلیلی در این پژوهش استفاده شده است.

- افشاری، اسدالله، جایگاه حقوقی تحریم اقتصادی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۱۳۹۳.

در این تحقیق آمده است: تحریم‌های یک‌جانبه با اصل حاکمیت بر منابع طبیعی دولت‌ها منافات دارد و نیز حقوق بین‌الملل، آن را فرا سرزمینی می‌داند و معتقد است که اعمال صلاحیت بر اشخاص (حقیقی یا حقوقی) از سوی یک دولت منوط به وجود عنصر ارتباط میان آن شخص و دولت مدعی است که در حقوق بین‌الملل عبارتند از: پیوندهای سرزمینی، شخصی فعال و منفعل، واقعی و جهانی که تحریم‌های فراسرزمینی بدون توجه به هر یک از این عناصر ارتباط انجام می‌گیرد، مثل تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌های ثالث که مبادرت به تجارت با جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. در واقع دولت ایالات‌متحده آمریکا با این اقدام؛ تعهدات عهدنامه‌ای، قواعد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و تعهدات خاص دولت آمریکا مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی ایران را نقض نموده است و اتحادیه‌ی اروپا نیز با نقض قطعنامه‌های شورای امنیت و همچنین مواد ۲۴ و ۲۵ منشور ملل متحد و حتی ماده‌ی ۵۳ و ۱۰۳ منشور (بدون مجوز شورای امنیت) اقدام به تحریم جمهوری اسلامی ایران می‌نماید و حتی این موارد با ماده‌ی ۵۹ طرح مسئولیت

بین‌المللی دولت‌ها نیز در تعارض است.

- مددی، رامین، استراتژی امنیت ملی اوباما با تأکید بر اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: حسین دهشیار، ۱۳۹۳.

در این تحقیق آمده است: روی کار آمدن اوباما و رویکرد متفاوت وی در سیاست خارجی و تأکید بر بهره‌گیری از دیپلماسی و تعامل، اگرچه فضایی را برای حل چالش‌های ایران و غرب از مسیر مسالمت‌آمیز ترسیم نمود، لکن تضاد در ارزش‌ها و منافع، عملاً مانعی بر سر این مسیر به وجود آورد. در این میان به علت تعارض وجودی میان ایران و اسرائیل، این رژیم در افزایش چالش‌ها میان ایران و آمریکا نقش مهمی را ایفا نموده که مسائلی چون تحریم‌های اقتصادی، تهدید به حمله نظامی، ایران‌هراسی میان کشورهای منطقه و ... از جمله آنها بوده و تهدیداتی را در سطح داخلی و منطقه‌ای متوجه جمهوری اسلامی ایران نموده است.

روش تحقیق

نظر به اینکه هدف از این پژوهش بررسی «بررسی ماهیت و آثار تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به موجب قوانین تحریم و ضد تحریم ایالات متحده آمریکا» می‌باشد، لذا نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. به بیان دیگر روش تحقیق این طرح، توصیفی و غیرتجربی و از نوع همبستگی و همخوانی است به این دلیل که آنچه را که هست توصیف می‌کند، شامل جمع‌آوری، ثبت، تجزیه و تحلیل و تفسیر شرایط موجود است و گردآوری اطلاعات، به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و مراجعه مستقیم به منابع و مآخذ با استفاده از فیش‌برداری است.

بحث و ارائه یافته‌ها

- قانون اساسی ایالات متحده و تحریم

بحث و گفتگو درباره تحریم‌های اقتصادی یک جنبه در ابتدا بر کارایی تحریم‌های دولت فدرال به‌عنوان ابزار سیاست خارجی متمرکز بوده است؛ اما ابعاد جدیدی نیز به این مبحث اضافه شده‌اند. بُعد نخست در مورد تحریم‌های اتخاذ شده در سطح ایالات و فرمانداری‌ها است که ممکن است مخالف اختیارات قانونی دولت فدرال در حوزه سیاست خارجی و در نتیجه غیرقانونی باشند. این موضوع در سال ۱۹۹۸ قبل از تشکیل دادگاه فدرال بر سر «قانون ماساچوست» علیه شرکت‌هایی که کار تجاری با میانمار (برمه سابق) انجام می‌دادند مطرح شد. بُعد دوم موضوع رابطه بین رئیس‌جمهور و کنگره در زمینه هدایت سیاست خارجی است و بیشتر مربوط به روح قانون اساسی است تا نص آن. مورد ویژه‌ای که کنگره نقش رهبری قانونی رئیس‌جمهور در سیاست خارجی را به چالش طلبید، قانون همبستگی دموکراتیک و آزادی کوبا یا قانون هلمز برتون است که تحریم‌های

اقتصادی را علیه کوبا گسترش می‌دهد، در صورتی که همزمان به‌طور عمده‌ای آزادی عمل رئیس‌جمهور را در رابطه با سیاست‌گذاری در مورد کوبا محدود می‌سازد. (علمی، ۱۳۸۲: ۱۲۰)

- لابی صهیونیسم و نفوذ آن بر سیاست خارجی آمریکا

رویکرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیزی تحت تأثیر لابی اسرائیل در ایالات متحده و نو محافظه‌کاران وفادار به اسرائیل می‌باشد و ریشه‌های چنین رویکردی به دهه ۱۹۹۰ و پایان جنگ سرد باز می‌گردد. در آن زمان نیروهای طرفدار اسرائیل علاقه‌مند بودند که ارتش آمریکا به‌طور مستقیم‌تر در خاورمیانه دخالت نماید؛ اما موقعیت آنها در طی جنگ سرد محدود بود چرا که آمریکا به‌عنوان یک متوازن‌کننده خارجی در منطقه عمل می‌کرد و بیشترین نیروهایی که برای خاورمیانه طراحی شده بودند شبیه نیروهای واکنش سریع در خارج از منطقه و حوزه خطر نگهداری می‌شدند. ایده آنها این بود که به منظور توازن به نفع آمریکا قدرت‌های محلی علیه یکدیگر بازی نمایند به همین خاطر بود که دولت ریگان از صدام در طول جنگ با جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد. این سیاست بعد از اولین جنگ خلیج فارس، زمانی که دولت کلینتون راهبرد «مهار دو جانبه» را پذیرفت و نیروهای آمریکایی بر اساس آن در منطقه حضور یافتند، تغییر کرد. راهبرد مهار دو جانبه هزینه‌های زیادی را به ایالات متحده تحمیل کرد اما از آنجا که این راهبرد، مطلوب لابی اسرائیل بود برای حفظ آن به صورت فعال در کنگره عمل می‌شد. به هر حال در اواخر دهه ۱۹۹۰ نو محافظه‌کاران حامی اسرائیل به این نتیجه رسیدند که مهار دو جانبه کافی نبوده و باید در ایران تغییر رژیم صورت گیرد. لابی صهیونیست تلاش نمود که تهدیدها علیه اسرائیل را در بالاترین حالت توصیف کند در عین حال تلاش شد، ایران خطرناک‌ترین دشمن آمریکا معرفی شود. (احمدی لفوری، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۲)

اساسی‌ترین عامل تعیین‌کننده ویژگی‌های صهیونیسم آمریکایی، وجود بزرگ‌ترین گروه سرمایه‌داران یهودی الاصل در آمریکا است که مبالغ‌عظیمی در اختیار صهیونیست‌ها قرار داده‌اند و بر آنان نفوذ زیادی دارند. یهودیان آمریکا حدود ۳٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند ولی گروه قلیلی از این میان یعنی صهیونیست‌ها، بیش از ۸۰٪ ثروت و منافع آمریکا را مستقیم و غیرمستقیم در اختیار دارند. (سلیمی نبی، ۱۳۸۱: ۶۷) در یک تقسیم‌بندی جهت روشن شدن نفوذ صهیونیست‌ها در ایالات متحده آمریکا، یهودیان آمریکا دارای یک لابی رسمی و چند لابی غیررسمی هستند. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

الف. لابی رسمی: متشکل از گروه‌ها و تشکل‌های سازمان‌دهی شده است که تلاش می‌کنند با شکل مستقیم بر روی کنگره، سنا یا دولت تأثیرگذارند و جریان قانون‌گذاری را در راستای منافع

اسرائیل هدایت کنند. یکی از مهم‌ترین این سازمان‌ها- که در اصل مهم‌ترین سازمان طرفدار و حامی اسرائیل در ایالات متحده نیز بشمار می‌رود- بنیاد امور عمومی آمریکا و اسرائیل است که به اختصار «ایپک» نامیده می‌شود. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

ب. لابی غیررسمی: مقصود همان رفتار جمعیت رأی دهنده یهودیان آمریکا و نیز گرایش‌ها و تمایلات انتخاباتی ایشان، همراه چگونگی شکل گرفتن افکار عمومی ایالات متحده درباره یهودیان است که به صورت غیرمستقیم موجب نفوذ یهودیان اقلیت در صحنه سیاسی داخلی و خارجی ایالات متحده می‌گردد. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

عوامل شکل‌گیری این نوع نفوذ عبارتند از:

۱. مشارکت گسترده یهودیان در صحنه انتخابات:

یهودیان با وجود جمعیت ۶ میلیون نفری خود میزان مشارکت‌شان در انتخابات به حدود ۹۰٪ می‌رسد. نکته قابل توجه که یهودیان در ۱۲ ایالت کلیدی آمریکا سکنی گزیده‌اند و آرای آنان در انتخابات ریاست جمهوری و کسب آرای هیأت‌های انتخاباتی تعیین کننده است، زیرا آن ۱۲ ایالت دارای بیشترین آرای هیأت‌های انتخاباتی است و شمار آنان در پیروزی یک نامزد در انتخابات ریاست جمهوری کفایت می‌کند. (ابوالفتح، ۱۳۸۱: ۳۳۷) مهم‌ترین جنبه کمک یهودیان به کاندیداها، نه جنبه مالی آن، بلکه همکاری عملی‌شان است. آنان مبارزات انتخاباتی را رهبری کرده، نطق‌ها را می‌نویسند، برنامه‌های تبلیغاتی تلویزیونی را تهیه و در مورد سیاست مبارزاتی کاندیداها تصمیم می‌گیرند. (سلیمی نبی، ۱۳۸۱: ۶۸)

۲. حضور یهودیان در پست‌های حساس و دستگاه سیاسی آمریکا:

یکی دیگر از عوامل شکل‌دهنده لابی غیررسمی، همان حضور یهودیان و اصولاً طرفداران اسرائیل در دستگاه سیاسی ایالات متحده است. با بررسی گرایش‌های نمایندگان مجلس و نمایندگان سنا و شناسایی یهودیان سیاستمدار در پست‌های حساس می‌توان به هماهنگی کامل بین سیاست‌های دولت آمریکا با اسرائیل پی برد و در ضمن این مدعا را نیز ثابت کرد که به‌طور غیرمستقیم این وعده در سیاست‌گذاری‌ها و خط‌دادن‌های سیاسی و غیره به نفع منافع یهودیان عمل خواهند کرد. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۹)

مهم‌ترین زمینه‌های قدرت‌یابی و توسعه نفوذ لابی در جامعه و نظام تصمیم‌سازی داخلی و خارجی آمریکا را می‌توان در قالب محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

الف. نفوذ سنت‌های فرهنگی و اعتقادی آیین یهود در ساختار فرهنگی- اجتماعی جامعه آمریکا: در این زمینه به مواردی چون سابقه حضور یهودیان در جامعه قبل از پیروزی انقلاب استقلال و

به‌ویژه ظهور پیوریتانیسم در نیمه اول قرن ۱۷ در شمال این کشور اشاره شده است. پیوریتان‌ها در چارچوب حرکتی اصلاح‌طلبانه در پی تحقق نوعی «صهیون جدید» در این سرزمین پهناور بودند. حرکتی خاص که از نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری «روح آمریکایی» برخوردار است. روند «خود یهودی‌انگاری» پیوریتان‌ها تا آنجا پیش رفت که ملهم از تورات، آمریکا را «الگوی زمینه‌ساز پادشاهی صهیون» تصور می‌کردند. درباره پیامدهای این مراتب فرهنگی یهودی-مسیحی با فرهنگ ملی و اصول ناظر به سیاست خارجی آمریکا از مضامینی چون برتری‌طلبی نژادی، گرایش‌های امپریالیستی، باور به تشکیل و ضرورت اشغال بیت‌المقدس سخن گفته‌اند. برخی تحلیلگران نیز زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی موردنظر را بر محور طیفی از عوامل نرم‌افزاری چون تلقین مؤلفه‌های اعتقادی خاص به ساختار فرهنگی این جامعه و بزرگ‌نمایی حوادث تاریخی چون «آدم سوزی»، «آوارگی و پراکندگی یهودیان»، «ضدیت یهود» در سطح احساسات توده مردم تعبیه کرده‌اند. حرکت فکری صهیونیسم مسیحی یا راست مسیحی که از دوره ریگان تقویت شد، در کنار نو محافظه‌کاران به شکل‌گیری دو جریان یهودی مدافع اسرائیل کمک کرد؛ که به اشتراک نظر و عمل گسترده‌ای با لابی صهیونیستی منجر شد. در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر نیز افزایش نفوذ مسیحیان راست در آمریکا در کنار حمایت سرسختانه از اسرائیل به ستون فقرات ایدئولوژیک دولت بوش تبدیل شده بودند، فضای مساعدتری برای فعالیت‌های گروه‌های یهودی در این کشور فراهم آورد.

ب. باور ریشه‌دار به موقعیت «شهروند برتر سیاسی»: دستیابی جامعه یهودی به مزایای ناشی از موقعیت «شهروند اجتماعی»، به مقدمه‌ای مناسب برای تسخیر دروازه‌های قدرت و اعمال تغییر بنیادین در ترتیبات موجود جامعه به سود یهودیان تبدیل شد. روابط مستحکم یهودیان با یکدیگر و عده‌های تعهدآور، بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون در ارتباط آفرینی (مالی و غیره) با مسئولان طراز اول کشور، توان بالای سازمان‌دهی و نهادسازی (مثل آپیک)، ایجاد پیوندهای گوناگون با جامعه نخبگان به‌ویژه دانشگاهیان، بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغی و رسانه‌ای برای تخریب چهره مخالفان به‌ویژه از طریق طرح «اتهام ضد سامی‌گرایی» به آنان و بهره‌برداری از «فرهنگ پول» در بستر نظام سرمایه‌داری آمریکا که مستعد تبدیل قدرت اقتصادی به قدرت سیاسی است. جملگی زمینه‌های اتصال رشته‌های اقتصادی و سیاسی این اقلیت قومی به جامعه آمریکایی را فراهم آوردند؛ و در نهایت نوعی «فرهنگ پنهان خرده‌شهروندی» را شکل دادند.

ج. مقابله با روند همگون شدن اقلیت یهودی با جامعه آمریکا: این امر بر ضرورت پاسداری از انسجام و هم‌پیوندی درونی و تأثیرگذاری بر حوزه‌های مهم تصمیم‌گیری به‌ویژه در حوزه انتخابات

تأکید شده است. در جهت تحقق این مهم یعنی «مبارزه علیه همگون شدن با فرهنگ و جامعه آمریکایی»، سازمان‌های بزرگ یهودی بر سه نکته تأکید می‌کنند:

اول؛ یهودیان در برابر گذشتگان از مسئولیت انتقال میراث یهودی به فرزندانشان برخوردارند. دوم؛ از آنجا که یهودیان با طرح ایده‌آل‌های فلسفی و علمی، از سهمی گسترده در جریان شکل‌دهی و تقویت تمدن بشری برخوردارند، باید از طریق کوشش تربیت جامعه بشری برای ساختن جهانی بهتر، هویت متمایز خویش را حفظ کنند.

سوم؛ شرط لازم برای تحقق زندگی، معنادار برای جامعه یهودی در گرو ظهور افراد خودآگاه در این جامعه است؛ اما در مقابل، این رویه به‌جای تقویت انسجام درونی این جامعه، در مواردی سبب ظهور نسلی جدید از یهودیان تحصیل کرده و مجذوب فرهنگ و نهادهای لیبرال آمریکایی شده که افزون بر مخالفت با روش‌هایی مانند «ممانعت از ازدواج با غیر یهودیان»، حتی نسبت به وفاداری‌های قومی درباره اسرائیل نیز تردید داشته و آن را مانعی در برابر پیشبرد آرمان‌های جهانی می‌دانند. در این خصوص می‌توان به گسترش گرایش پسا صهیونیستی در میان یهودیان آمریکا اشاره کرد.

د. برخورداری از توان منحصر به فرد سازمان‌دهی: برخی از تحلیلگران اقلیت یهودی را «سازمان یافته‌ترین گروه اقلیت» در آمریکا دانسته‌اند که چارچوب مدیریتی آن از یک کنیسه (به‌عنوان کانون هر جامعه یهودی) آغاز شده و تا شبکه‌ای از سازمان‌ها و آژانس‌های وابسته یا همپوشان که دامنه گسترده‌ای از وظایف مذهبی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بر عهده دارند، تداوم دارند. کتاب سال یهودیان آمریکایی^۱، فهرستی از حدود پانصد سازمان یهودی ملی یهودی را ارائه می‌دهد. افزون بر این، جامعه یهودی این کشور از ۱۸۰ هیأت رفاه محلی، فدراسیون یا شورای اجتماعی، حدود ۱۸۴ روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه متمرکز بر مسائل یهودیان، هشتاد کمیته اقدام سیاسی و ده‌ها مدرسه حمایت می‌کند. در واقع فضای اثرگذاری این اقلیت بر نظام تصمیم‌گیری خارجی (به‌ویژه در ارتباط با خاورمیانه) تا حد قابل توجهی معلول همین انرژی متراکمی است که در بطن همین تشکیلات یهودی تولید می‌شود.

ه. همسو کردن دغدغه‌های مردم آمریکا با برداشت لابی یهود از تهدید خارجی در جهت اصل «حمایت از بقای اسرائیل»: توانایی «طراحی و ترویج خودانگاره‌های تهدید محور» از مواردی است که لابی مدافع یهود و صهیونیسم را از دیگران متمایز می‌کند؛ کارکردی که می‌تواند جریان «همسوسازی»، میان برداشت خود از کانون تهدید با ملاحظه‌ها و دغدغه‌های مردم و رهبران

¹ - American Jewish Yearbook

آمریکا را به مقدمه‌ای مناسب برای تثبیت قاعده و ضرورت حمایت همه جانبه از اسرائیل تبدیل کند. در این خصوص نکات زیر قابل توجه است:

نخست؛ اصل «حمایت از اسرائیل» شالوده تمامی سطوح فعالیت‌های این لابی را در عرصه فدرال و محلی در بر گرفته است.

دوم؛ این انگیزه باعث شده که این طیف در صحنه‌های گوناگون انتخاباتی به‌ویژه انتخابات رئیس‌جمهوری، از نوعی «مشارکت چیره‌جوبانه»، در سطحی فراتر از سهم خود در کلیت جمعیت این کشور برخوردار باشد. این وضعیت در زمانی که «بی‌اعتنایی گسترده مردم به سیاست خارجی» به‌منزله نوعی چالش در برابر نظام تصمیم‌گیری این دولت قرار داد، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

سوم؛ این الگوی هماهنگ‌سازی میان دیدگاه‌های امنیتی بر محور دفع تهدید از دولت یهود، به سمت نوعی «تصویرسازی» از این رژیم هدایت می‌شود که در نهایت توجیه اخلاقی لازم را برای حمایت همه جانبه از آن را در اختیار تصمیم‌گیرندگان آمریکایی قرار می‌دهد. توجیهاتی چون: «اسرائیل یک دموکراسی همزاد است که توسط دیکتاتوری‌های متخاصم در محاصره قرار دارد»، «وطن یهودی، تنها فضای مناسب برای امنیت و آرامش پس از حوادثی چون هولوکاست است»، «اسرائیل به‌منزله طالوت یهودی در محاصره جالوت متخاصم عرب است». (کیوان حسینی، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۵)

نقش نهادهای لابی یهودیان آمریکا به‌عنوان کارگزار تحریم ایران

آیپک به سخنگوی سیاست اسرائیل در ایالات متحده شهرت دارد، در واقع پاتوق اسرائیلی‌های بازنشسته است با نفوذ انکارناپذیر خود در سیاست‌گذاری‌های آمریکا همواره ایران را خطری جدی برای منافع آمریکا در منطقه و جهان معرفی می‌کند. (خوش‌رو، ۱۳۸۰: ۲۲) این لابی پس از انقلاب سعی کرده که همواره در کلیه تصمیمات مرتبط با ایران در نهادهای قانون‌گذاری آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. این لابی از اواسط دهه ۱۹۹۰ کوشیده ایده تحریم ایران را که تبدیل به استراتژی تحریم ایران در درون لابی اسرائیل شده را به عنوان اولویت سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران مطرح و آن را به‌عنوان یک قانون تصویب کند. آیپک با انتشار جزوه‌ای تحت عنوان «تحریم‌های جامع آمریکا بر ایران؛ برنامه‌ای برای عمل» اصول و اهداف تحریم ایران را ارائه کرد. بخش عمده تلاش‌های آیپک درباره تحریم ایران به موضوع سرمایه‌برداری مربوط می‌شود و در بیانیه‌ای درباره اهمیت سرمایه‌برداری در ایران تحت عنوان «سرمایه‌برداری؛ ابزار مهمی در ممانعت از هسته‌ای شدن ایران» صادر کرد. در این بیانیه آمده است: جامعه بین‌المللی

باید ابزارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک را برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران به کار گیرد. در حالی که آمریکا و شورای امنیت در حال تشدید تحریم‌ها علیه ایران هستند ممانعت از سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در بخش نفت و گاز ایران فشار بیشتری بر این رژیم (ایران) اعمال می‌کند. در این بیانیه با ادعای اینکه ایران همچنان به نقض قطعنامه‌های شورای امنیت ادامه می‌دهد، در حالی که شرکت‌های آمریکایی از سرمایه‌گذاری در ایران محروم شده‌اند؛ اما هنوز افراد آمریکایی می‌توانند به شیوه‌های مختلف در ایران سرمایه‌گذاری کنند و سهام شرکت‌های خارجی در ایران را بخرند، باید در کنگره آمریکا قانون جامع سرمایه‌برداری تصویب شود که هرگونه راه نفوذ برای سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و افراد خارجی به‌ویژه آمریکایی‌ها بسته شود. (پورحسن، ۱۳۸۶: ۵۹-۵۷)

سیاست‌های لابی یهودیان آمریکا به‌عنوان کارگزار تحریم ایران

تغییر ایده تحریم به راهبرد تحریم مبنای اقدامات بعدی لابی برای ارائه طرح تحریم ایران در کنگره و تصویب و اجرای آن در دولت کلینتون گردید. به شکل سنتی آپیک به‌عنوان یک لابی نژادی که مرکزیت آن در اسرائیل قرار دارد به‌دنبال ارتقاء و تحقق منافع اسرائیل در آمریکا است. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ اسرائیلی‌ها در تحلیل موقعیت خود در خاورمیانه پس از جنگ سرد ایران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خطرات نسبت به موجودیت اسرائیل اعلام کرده و گفتند: «ایران تا پایان دهه ۱۹۹۰ تبدیل به نیروی مسلط خاورمیانه خواهد شد. همچنین ایران را به‌عنوان مرکز الهام‌بخش بنیادگرایی اسلامی و حمایت‌کننده عملی این جریان، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، کسب موشک‌های دوربرد منطقه‌ای و تلاش برای کسب موشک دوربرد قاره‌پیما، ممانعت در برابر فرایند صلح خاورمیانه، صدور تروریسم بین‌الملل در تمامی مناطق دنیا، در تلاش برای کسب سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی است و باید با قدرت در برابر ایران ایستاد و از قدرت‌یابی بیشتر این کشور جلوگیری کرد»؛ بنابراین براساس سیاست رژیم اسرائیل به دلیل خطر روزافزون ایران باید بازدارندگی در مقابل ایران حتماً صورت پذیرد. در این راستا برای تحدید خطر ایران، ائتلاف و همکاری ایالات‌متحده برای اسرائیل یک گزینه مطلوب تصور می‌شد. چرا که اولاً آمریکا نیز پس از انقلاب همواره در تضاد دائمی با ایران به سر می‌برد و ثانیاً دولت دموکرات کلینتون در کاخ سفید به قدرت رسیده بود که دارای تمایلات به شدت کلیدی بود. ده‌ها شخصیت یهودی در موقعیت‌های شغلی مختلف در دولت کلینتون مشغول به فعالیت شده بودند. در این راستا «تحریم ایران» و محدود سازی توانایی‌های آن، تبدیل به سیاست رژیم اسرائیل گردید. در ادامه این سیاست، آپیک به همراه رژیم اسرائیل شروع به فضا سازی علیه ایران و بزرگ‌نمایی خطر ایران نسبت به اسرائیل و

منطقه و دنیا کردند تا فضای روانی لازم را در آمریکا برای اقدامات بعدی ایجاد کنند. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵)

- تجزیه و تحلیل حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بازرسی‌های خود از تأسیسات هسته‌ای ایران بر قصور متعددی توسط ایران و عدم اطلاع‌رسانی به موقع از مواد هسته‌ای خود به آژانس اشاره نموده است. خصومت دیرینه آمریکا و کشورهای غربی با ایران به دلیل سیاست خارجی این کشور از یک طرف و قصور ایران در عدم اطلاع‌رسانی به موقع فعالیت‌هایش به آژانس از طرف دیگر باعث شد تا آژانس نسبت به برنامه هسته‌ای ایران حساس شده و تا آنجا پیش رود که شورای حکام آژانس در قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵ (Gov/2005/76) فعالیت‌های هسته‌ای ایران را ناقض تکالیف ایران براساس معاهده NPT قلمداد نموده و از این کشور بخواهد که غنی‌سازی اورانیوم را به صورت پایدار تعلیق نماید. به همین دلیل هم، در قطعنامه‌های خود، خواهان تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و تصویب فوری پروتکل الحاقی توسط ایران بوده است؛ اما این خواسته‌ها فراتر از تعهدات حقوقی ایران طبق مفاد موافقت‌نامه پادمان ایران با آژانس و سایر اسناد حقوقی مورد تعهد ایران است. آژانس در برخورد با ایران فراتر از وظایف سازمانی‌اش رفتار کرده است. به همین دلیل ایران نیز با تأکید بر صلح‌آمیز بودن فعالیت خود و حق قانونی برخوردار بودن از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای از اجرای قطعنامه‌های شورای حکام خودداری نموده است. این عکس‌العمل ایران سبب تردید بیشتر نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای و ارسال پرونده ایران به شورای امنیت گردید. (تدینی و توکلی، ۱۳۸۹: ۱۴۴) قطعنامه مورخ ۴ فوریه ۲۰۰۶ موضوع ارجاع و گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت را طرح و تصویب نمود. در این قطعنامه در بندهای مختلف اظهار نگرانی جدی از اقدامات ایران و روند طی شده از ایران خواسته است تعلیق کامل و پایدار تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازآوری را که شامل تحقیق و توسعه است، برقرار کند تا توسط آژانس راستی‌آزمایی شود و فوراً پروتکل الحاقی را تصویب و به صورت کامل اجرا کند. در بند ۲ قسمت دوم قطعنامه آمده است: «از مدیرکل می‌خواهد به شورای امنیت سازمان ملل گزارش دهد که این گام‌ها از سوی آژانس برای ایران ضروری اعلام شده‌اند و به این شورا گزارش‌ها و قطعنامه‌های تصویب شده آژانس مرتبط با این موضوع را گزارش دهد». همچنین در بند ۸ قطعنامه آمده است: «از مدیرکل درخواست می‌کند درباره اجرای این قطعنامه و قطعنامه‌های قبلی به اجلاس عادی بعدی شورای حکام گزارش دهد تا مورد بررسی قرار گیرد و این گزارش را به همراه هرگونه قطعنامه تصویب شده در ماه مارس ۲۰۰۶ در شورای حکام به شورای امنیت سازمان ملل بفرستد».

رئیس شورای امنیت در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ بیانیه‌ای صادر نمود که در آن اجرای کلیه موارد خواسته شده در قطعنامه‌های قبلی شورای حکام به‌ویژه بند یک قطعنامه ۲۰۰۶ را از ایران خواستار شده بود. در این بیانیه ضمن حمایت از شورای حکام و ابراز نگرانی‌های خود، از مدیرکل درخواست نمود ۳۰ روز دیگر گزارش در مورد فرایند پایبندی ایران به اقدامات مورد درخواست آژانس به شورای حکام و به صورت همزمان به شورای امنیت برای بررسی بیشتر ارسال نماید که به دنبال این بیانیه و گزارش شورای امنیت ۶ قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران صادر شد. (حاجی غلام سریزدی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

- رویکرد تحریم محور مراکز پژوهشی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران

شایع‌ترین رویکرد حاکم بر مراکز مطالعاتی و مخازن فکری در ایالات متحده رویکرد تحریم محور است. با بررسی گزارش سالانه و نتایج و گزارش‌های متعدد مخازن فکری مهمی چون شورای روابط خارجی آمریکا، بنیاد هریتج، انستیتوی امنیت جهانی، انستیتوی مطالعات خاورمیانه، مؤسسه کارنگی و مرکز مطالعات امنیتی آمریکا یک برآیند کلی حاصل می‌شود که بر لزوم فشار تدریجی، نه شدید و کوتاه‌مدت تأکید می‌کند. این فشارها که در قالب تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت، تحریم‌های متنوع اقتصادی غرب، کاهش مراودات سیاسی جلوه‌گر خواهد شد با دو هدف کلی طرح‌ریزی شده است:

نخست؛ اعمال فشار بر ایران به منظور افزایش ناکارآمدی تا سرحد ورشکستگی دولت:

یکی از اهداف تحریم‌های فوق‌الذکر اعمال فشار بر دولت ایران و مشغول داشتن وی به درگیری‌ها و مشکلات متعدد و در نتیجه ایجاد ناکارآمدی در عمل به وظایف می‌باشد. گری سیک - که سال‌ها به عنوان مشاور عالی امنیت ملی آمریکا فعالیت کرده و هم‌اکنون نیز به عنوان یکی از محققان برجسته شورای روابط خارجی آمریکا فعالیت می‌کند - بر این باور است که بهترین راه برای به زانو در آوردن دولت ایران و مجبور کردن این کشور به پذیرش خواسته‌های غرب و مهم‌تر از همه کنترل برنامه هسته‌ای ایران، ایجاد نارضایتی عمومی در داخل از طریق تحریم‌های دراز-مدت و مرحله‌ای است. وی بر این باور است که تحریم‌ها و فشارهای شدید و مقطعی سبب ایجاد اتحاد در داخل و تهییج احساسات عمومی آمریکا و غرب می‌شود. لذا با تکیه بر تحریم‌های دراز-مدت و مرحله‌ای بدون تحریک احساسات ملی‌گرایانه می‌توان دولت ایران را با مشکلات متعدد و در نهایت ناکارآمدی روبه‌رو ساخت. بدین ترتیب دولت ایران به تدریج پایگاه‌های مردمی خود را از دست خواهد داد. نارضایتی داخلی دولتمردان ایران را به شدت آسیب‌پذیر ساخته و زمینه تمکین ایشان را فراهم خواهد ساخت.

دوم؛ به انزوا کشاندن ایران و بسترسازی برای ایجاد تصویر یک بازیگر مخل: تجارب امنیتی در ایالات متحده نشان داده که یکی از مهم‌ترین مقدمات طراحی راهبرد تهاجمی موفق علیه یک دولت، به انزوا کشاندن آن دولت و به دنبال آن ایجاد تصویر یک بازیگر منزوی و مخل امنیت بین‌الملل است. در این صورت امکان تحریک افکار عمومی بین‌الملل و افکار عمومی داخلی آمریکا برای اعمال فشارهای هر چه بیشتر بر آن دولت مهیا خواهد شد. دکتر ایان بارمن محقق برجسته مؤسسه شورای سیاست خارجی آمریکا و دکتر مارشال بریت از محققان وابسته به شورای سیاست خارجی آمریکا از قائلین به این تئوری هستند. ایشان بر این باورند که اعمال فشار بر ایران بدون در نظر گرفتن افکار عمومی آمریکا و افکار عمومی جهانی به نوعی ساده-اندیشی است. از سوی دیگر فشار بر ایران در صورتی معنا می‌یابد که ایران نتواند با دیگر دولت‌ها ائتلاف و اتحاد برقرار کرده و در یک محاصره واقعی قرار گیرد. بدین ترتیب با اعمال تحریم‌های تدریجی هم در قالب تحریم‌های سازمان ملل و هم در قالب تحریم‌های شورای اروپا و نیز می‌توان به تدریج ایران را به انزوا کشید و در عین حال تصویر یک بازیگر مخل امنیت بین‌الملل را از ایران در جهان ارائه نمود که این خود زمینه را برای اقدامات احتمالی بعدی علیه ایران فراهم می‌کند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶: ۷-۵) بعضی‌ها در غرب بر این باورند که ایران باید به این احساس برسد که پذیرش تعلیق برنامه هسته‌ای، خسارت کمتری نسبت به خسارت ناشی از اعمال تحریم دارد. (زهرانی، ۱۳۸۷: ۱۳) از آنجا که در ایالات متحده مراکز پژوهشی یکی از منابع اثرگذار بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور هستند بنابراین دیدگاه‌های آنها به سطح مقامات اجرایی منتقل شده و بر تصمیم‌سازی‌های آنها اثر می‌گذارد.

- دلایل مخالفت آمریکا با هسته‌ای شدن ایران

روابط میان ایران و آمریکا با پررنگ شدن برنامه هسته‌ای ایران وارد مرحله‌ای جدید و پیچیده-تری شده است، آمریکا با برداشت تهدید ناشی از هسته‌ای شدن ایران سیاست‌های خود در قبال ایران را بر توقف و یا کنترل برنامه هسته‌ای ایران متمرکز ساخت. (هادیان، ۱۳۸۹: ۲۰۳) این قدرت‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای مخالفتی نداشتند بلکه با امضای قراردادهای کلان مقدمات استفاده رژیم سرسپرده پهلوی را از این انرژی فراهم کرده است، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و به خطر افتادن منافع استعماری آنها در منطقه این قدرت‌ها تغییر موضع دادند و با حساسیت ویژه‌ای این مسئله را پیگیری نمودند. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰-۹)

دلایل مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران را باید با توجه به موقعیت ایران و آمریکا در آمریکا

در منطقه درک کرد. ایران از جمله کشورهایی است که تأثیر زیادی بر موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌های آمریکا دارد. در این راستا تلاش آمریکا در جهت پیوند زدن مسئله در سطح نظام بین‌الملل از طریق ابزارهای رسانه‌ای در جهت تحقق رویکرد مبارزه با افزایش قدرت ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل صورت می‌گیرد. (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۸). برنامه هسته‌ای ایران از دید آمریکا یک مسئله استراتژیک است. آمریکا برای حفظ برتری خود در دنیا که عنصر اصلی حفظ تمدن آمریکایی است، نیاز دارد برتری خود را بر روندها و جریان‌های سیاسی و امنیتی موجود در خاورمیانه حفظ کند و حفظ و مهار خاورمیانه در درجه اول نیاز به مهار ایران دارد و مهار ایران نیاز به کنترل برنامه هسته‌ای ایران دارد. (کدسمن^۱، ۲۰۰۹: ۶۶) کنترل برنامه هسته‌ای را نیز باید در فشارها و تحریم‌های نامحدود آمریکا دنبال کرد.

نیت خوانی آمریکا در فعالیتهای هسته‌ای ایران ریشه در این نگرش دارد که بر مبنای آن باید پیش از تبدیل شدن دشمنان بالقوه به دشمنان بالفعل با آنها مقابله کرد. (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۹)

فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌عنوان یکی از سوژه‌های محدودسازی کشورها در راهبرد امنیتی آمریکا محسوب می‌شود. به همین دلیل است که هرگونه فعالیت علمی و تکنولوژیک ایران به عنوان نمادی از تهدید امنیتی تلقی گردید و آمریکایی‌ها به مقابله مبادرت می‌ورزند. آمریکایی‌ها بر این اعتقادند که اگر ایران زیرساخت‌های صنعتی قدرتمندی را ایجاد نماید، در آن شرایط قادر خواهد بود تا زمینه‌های لازم برای حداکثرسازی قدرت راهبردی خود را از طریق همکاری با سایر کشورها یا شرکت‌های چندملیتی فراهم نماید. (متقی، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

به‌طور کلی آمریکا بر این نظر است که دستیابی ایران به توان هسته‌ای حتی از طریق قانونی و بر اساس مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه چالش جدی را در پی دارد:

اول؛ اینکه باعث گسترش توان هسته‌ای در خاورمیانه می‌شود و کشورهایی نظیر عراق، عربستان، مصر، سوریه، ترکیه، اسرائیل و حتی الجزایر به دنبال ترمیم موقعیت دفاعی و امنیتی خواهند بود. این اقدام باعث افزایش تصاعدی مسابقه هسته‌ای در خاورمیانه خواهد شد، زیرا افزایش توان اسرائیل، کشورهای سوریه، مصر و عربستان را به تکاپو می‌اندازد و در مقابل، افزایش توان این کشورها اسرائیل و ترکیه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در نتیجه خاورمیانه وارد رقابت هسته‌ای بی‌پایان می‌شود که نه برای کشورها منطقه و نه منافع آمریکا و نه صلح و امنیت بین‌الملل مناسب نیست.

دوم؛ اینکه افزایش موقعیت ایران در خاورمیانه، باعث افزایش چشمگیر قیمت نفت خواهد

^۱-Cordesman

شد. کاهش وابستگی داخلی به انرژی هسته‌ای به واسطه بومی کردن توان هسته‌ای و استفاده از موقعیت هسته‌ای برای چانه‌زنی‌های منطقه‌ای توسط ایران که یکی از کشورهای عمده دارنده نفت و گاز جهان است در کنار وابستگی رو به افزایش آمریکا و اروپا و آسیای دور و نفت خاورمیانه و خلیج فارس برای اقتصاد جهانی نگران کننده خواهد بود.

سوم؛ آنکه به اعتقاد سران کاخ سفید با توجه به سیاست‌های ایدئولوژیک ایران، دستیابی به توان هسته‌ای به ابزاری برای هراس پروری در خاورمیانه و کاهش آزادی عمل در آن تبدیل خواهد. (ملامیری کجوری، ۱۳۸۶: ۹۷)

از سوی مقامات آمریکایی ادعا می‌شود که نبود استمرار در اعمال فشارهای موجود علیه ایران موجب تشویق دیگر بازیگران منطقه‌ای و همسایگان برای پیمودن راه ایران در برپایی برنامه هسته‌ای مستقل خواهد شد. (اسکندری، ۱۳۸۹: ۲۶۷) همچنین از دید آمریکایی‌ها دستیابی ایران به توان هسته‌ای موازنه قدرت در خاورمیانه را به ضرر آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن نظیر اسرائیل خواهد کرد و این امر خطر تشدید رقابت‌های تسلیحاتی و تحکیم موقعیت برتر ایران را به همراه خواهد داشت.

ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا می‌گوید: دوران جدیدی در منطقه خاورمیانه شروع شده است که بارزترین خصیصه آن پایان یافتن سلطه آمریکا بر منطقه و تغییر آشکار موازنه قدرت به نفع ایران است و این همان موضوع و تغییری است که باید از گسترش آن ممانعت به عمل آورد. هیلاری کلینتون در سفر آسیایی خود در سال ۲۰۰۹ اعلام داشت که «اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد آمریکا متحدان خود در خلیج فارس را زیر چتر دفاعی خود خواهد گرفت». او تأکید کرد «ما می‌خواهیم ایران درک کند که اگر چتر دفاعی خود را در منطقه بگسترانیم یا ظرفیت نظامی کشورهای خلیج فارس را افزایش دهیم، ایران در صورت دستیابی به سلاح هسته‌ای نه قدرتمندتر و نه ایمن‌تر خواهد شد، آنها خیال می‌کنند که اگر به سلاح هسته‌ای دست یابند بر منطقه مسلط خواهد شد ما چنین امکانی را از آنها خواهیم گرفت». در ساختار روابط بین‌الملل قدرت و افزایش آن در یک بازیگر می‌تواند در میان سایر بازیگران نیز ایجاد تهدید کند، به عبارت دیگر به موازاتی که قدرت یک دولت افزایش می‌یابد، به‌طور طبیعی به افزایش تمایل دیگران برای محدود کردن، ایجاد توازن و بازدارندگی قدرت آن منجر می‌شود. بدین منظور همواره افزایش قدرت ایران اضطراب ایجاد کرده است. (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۰)

نتیجه گیری

تحریم‌های یک‌جانبه به طور کلی از طرف کشورهای قدرتمند صورت می‌گیرد و با توجه

تحریم‌های یک‌جانبه به طور کلی از طرف کشورهای قدرتمند صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه آمریکا هم اکنون تنها ابرقدرت جهان می‌باشد، بیشترین تحریم‌های یک‌جانبه نیز از سوی این کشور اعمال شده است. تحریم‌های همه‌جانبه از سوی شورای امنیت و بر اساس ماده ۴۱ منشور صادر می‌گردد؛ اما تحریم‌های یک‌جانبه فراتر از شورای امنیت و توسط کشورهای قدرتمند اقتصادی، به منظور نیل به اهداف سیاسی استفاده می‌شود.

بحث و گفتگو درباره تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه در ابتدا بر کارایی تحریم‌های دولت فدرال به‌عنوان ابزار سیاست خارجی متمرکز بوده است؛ اما ابعاد جدیدی نیز به این مبحث اضافه شده‌اند. بُعد نخست در مورد تحریم‌های اتخاذ شده در سطح ایالات و فرمانداری‌ها است که ممکن است مخالف اختیارات قانونی دولت فدرال در حوزه سیاست خارجی و در نتیجه غیرقانونی باشند.

رویکرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیزی تحت تأثیر لابی اسرائیل در ایالات متحده و نو محافظه‌کاران وفادار به اسرائیل می‌باشد و ریشه‌های چنین رویکردی به دهه ۱۹۹۰ و پایان جنگ سرد باز می‌گردد. در آن زمان نیروهای طرفدار اسرائیل علاقه‌مند بودند که ارتش آمریکا به‌طور مستقیم‌تر در خاورمیانه دخالت نماید؛ اما موقعیت آنها در طی جنگ سرد محدود بود چرا که آمریکا به‌عنوان یک متوازن‌کننده خارجی در منطقه عمل می‌کرد و بیشترین نیروهایی که برای خاورمیانه طراحی شده بودند شبیه نیروهای واکنش سریع در خارج از منطقه و حوزه خطر نگهداری می‌شدند.

اساسی‌ترین عامل تعیین‌کننده ویژگی‌های صهیونیسم آمریکایی، وجود بزرگ‌ترین گروه سرمایه‌داران یهودی الاصل در آمریکاست که مبالغ‌عظیمی در اختیار صهیونیست‌ها قرار داده‌اند و بر آنان نفوذ زیادی دارند.

منابع فارسی

کتاب

- ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۸۲)، برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا (سرزمینی - سیاسی)، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، لابی و لابی‌گر در آمریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- اسلامی، محسن (۱۳۸۴)، لابی صهیونیسم در ایالات متحده، قم، نشر فقاقت
- پورحسن، ناصر (۱۳۸۶)، شناخت راهبرد جنگ اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان عقیدتی - سیاسی نیروهای انتظامی، معاونت سیاسی
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶)، تحلیل و ارزیابی رویکرد مراکز پژوهشی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی

مقالات

- اسکندری، مجید (۱۳۸۹)، دیدگاه‌های حاکم بر سیستم تصمیم‌گیری آمریکا در قبال ایران (۲۰۱۰-۲۰۰۸)، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲۳
- خوشرو، سعید (۱۳۸۰)، چند و چون تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، نشریه اقتصاد انرژی، شماره ۲۶
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران، فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد انرژی، سال ۱، شماره ۲
- سلیمی نبی، صادق (۱۳۸۱)، منافع و نهادهای اثرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵
- سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، مجله دانش سیاسی، ۶ سال، شماره ۲
- طباطبایی، سید علی (۱۳۸۵)، لابی یهودیان آمریکا کارگزار تحریم ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۰، شماره ۱
- عباس تدینی، ناهید توکلی (۱۳۸۹)، ایران هسته‌ای در گیرودار شورای حکام تا شورای امنیت، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۷، شماره ۲
- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷)، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن، نشریه علوم انسانی مریبان، شماره ۲۷

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷)، آمریکا و بحران هسته‌ای ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، شماره ۴

- کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۹)، باز تعریف نقش لابی مدافع یهود و صهیونیسم در جامعه و سیاست آمریکا، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۱

- محمد کاظم سجادپور، سعیده اجتهادی (۱۳۸۹)، نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال ۶، شماره ۱

- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، بررسی الگو و فرایند تقابل‌گرایی آمریکا علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۷۹، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷

- هادیان، ناصر (۱۳۸۹)، برنامه هسته‌ای ایران، تکثر دیدگاه‌ها و زمینه‌های گفتمانی، فصلنامه سیاست، ۴۰ سال ۴۰، شماره ۱

پایان نامه‌ها

- حاجی غلام سریزدی، الهه (۱۳۹۰)، سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران و بازتاب آن بر تصمیم‌گیری نهادهای بین‌الملل (مطالعه موردی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی

- علومی، ابراهیم (۱۳۸۲)، نقش لابی اسرائیل در شکل‌گیری و تصویب قانون تحریم ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی

- ملامیری کجوری، حسین (۱۳۸۶)، نقش آمریکا در بحران هسته‌ای ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

English Resources

- Cordes Man, A. (2009), *The U.S. and Iran Options for Cooperation*, Middle East studies Program, www.crs.gov